

تأثیر گذاری فضای آموزشی در شادی و یاد گیری دانش آموزان

دکتر حسین افلاکی فرد^۱، قاسم بزم^۲

^۱ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، فارس، ایران

^۲ کارشناس تربیت بدنی، آموزش و پرورش جره و بالاده، فارس، ایران

چکیده

مدرسه همواره کانون تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه بوده و همواره تأثیرات مهمی در فعالیت، حیاط و پویایی علمی جامعه دارد. در سالهای اخیر با توجه به رشد روز افزون و وسعت تغییرات در روش های آموزشی، سازگار نمودن بستر یادگیری با نیازهای دانش آموزان مورد توجه متخصصین قرار گرفته است. مطالعات نشان می دهد که طرح فضاهای آموزشی می تواند باعث رشد و یا بازدارندگی در امر یادگیری باشد. بنابراین عدم توجه به عناصر تشکیل دهنده ی فضای آموزشی مثل کلاس ها، راهرو ها، فضاهای باز، تجهیزات و ... می تواند اثرات منفی بروی دانش آموزان داشته باشد و بلعکس رعایت این ضوابط و استانداردها می تواند باعث ایجاد حس رضایت و تعلق پذیری دانش آموزان نسبت به فضاهای آموزشی شود. این نوشتار با تکیه بر تأثیر محیط کالبدی بروی کیفیت فرایند آموزش به منظور پاسخگویی به تحولات گسترده روش های آموزشی، به بررسی نقش عوامل کالبدی بر رضایتمندی و دل بستگی دانش آموزان به محیط آموزشی می پردازد. برای رسیدن به این منظور، نظرات دانش آموزان در مورد محیط آموزشی شان در چهار نمونه موردی طریق پرسشنامه جمع آوری شد، سپس به مقایسه این نتایج نسبت به هم پرداختیم. مدارس مورد مطالعه در این تحقیق، مدارس فدک و اخوان گنجی به عنوان مدارس که از لحاظ رعایت ضوابط و استانداردها شرایط نسبتاً مطلوبی داشتند و مدارس حاجی بهرامی و صادقین به عنوان مدارس که شرایط مطلوبی از این جهت نداشتند انتخاب شدند. روش مورد استفاده در این مقاله روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای، اسنادی و بررسی های میدانی می باشد. نتایج حاصل بر ارتباط بین نقش عوامل کالبدی و رضایتمندی و دل بستگی در دانش آموزان تأکید دارد.

واژه های کلیدی: فضای آموزشی، شادی، یادگیری

مقدمه

عصری که ما در آن زندگی می کنیم به کلی متفاوت از زمان های گذشته است پدیده های جدید متنوع و به هم پیچیده آنچنان فراوان و نو به نو شده اند که دانایی ها، توانایی ها و امکانات را اجتناب ناپذیر می کند. البته این دانستنی ها و مهارت ها باید قادر باشند امنیت روانی و احساس زیبایی دوستی را در مواجهه با مشکلات زندگی تضمین کند. در روند استفاده از امکانات در راه مقابله منطقی و فراگیر مسایل دنیای جدید به خصوص نگرش های جوانان باید از اصول بهداشت روانی استفاده نمود، چرا که نوجوانان ما نیازمند فضای شاد برای شاداب زیستن هستند. در شرایطی که اکثر منازل در مناطق شهری تبدیل به آپارتمان های کوچک و تاریک و به دور از فضاهای بازی و حرکتی برای کودکان است حداقل کاری که می توان در تامین بهداشت جسمی و روحی آنان داشته باشیم ایجاد فضای مفرح و شادی بخش در مدرسه است چرا که دانش آموزان چندین ساعت از روز را در مدرسه می گذرانند و اگر فضاسازی مناسبی در مدارس انجام شود مسلماً به شاد زیستن فرزندان خود کمک بسیار مهمی خواهیم کرد. با توجه به اینکه جامعه ی فردا را فرزندان امروز ما اداره خواهند کرد. اگر خوب تعلیم ببینند و خدایی تربیت شوند جامعه نیز شاداب و منظم و خوشبخت و سالم خواهد بود. در غیر این صورت هیچ امیدی نمی توانیم داشته باشیم. با این حال شکی نیست که در امر به سازی میهن اسلامی مان باید پیش از هر چیز و بیش از همه چیز به مسئله آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت اهمیت بدهیم. برای این که سلامت جسمانی و روانی کودکان، دانش آموزان، اطرافیان و خودمان حفظ شود، باید سعی کنیم با شناسایی عوامل مؤثر بر شادی، موجبات تقویت عوامل مثبت و تقلیل عوامل منفی مؤثر بر شادی را فراهم کنیم. از آن جا که شادی بزرگ ترها عامل مؤثر در شادی و نشاط کودکان است و اولیا و مربیان غمگین نمی توانند فرزندان و دانش آموزانی شاد تربیت کنند، از این رو با ارائه نظام اعتقادی درست برای دستیابی به شادی، می توان به افزایش شادی در میان افراد جامعه کمک کرد. به این ترتیب مردم می توانند تغییری مثبت در زندگی خود به وجود آورند، احساس پیشرفت و لذت در زندگی داشته باشند و به شادی و مسرت دائمی دست یابند و فقط در این صورت است که می توانند شادی و مسرت را در وجود کودکانشان نیز پرورش دهند. لذا سیراب نشدن فرزندان از محبت و عاطفه کافی، عدم تعادل روحی و روانی را به دنبال دارد، نا آشنایی خانواده ها به روش های مؤثر تعلیم و تربیت را می توان با آموزش احساس مسئولیت در برابر خود، خانواده، واقع بینی توأم با نگرش مثبت، تقویت روحیه همکاری و کار گروهی، آموزش مهارت های زندگی، تقویت مهارت ادراکی، و..... به کمک کلیه دست اندرکاران محیط آموزش تا حدود زیادی حل کرد تا نهایتاً محیطی شاداب، سازنده، قانونمند ایجاد شود و نتیجتاً فرزندان مفید، هدفمند و کاربردی به بار آید.

دانش آموزان مهم ترین رکن نظام آموزش و پرورش هر کشوری محسوب می شوند. عواملی که می تواند این سرمایه ملی را برای رشد بهینه و کیفی آماده سازد، مهارت های رفتاری است که در محیط آموخته می شود نه فقط محفوظات علمی. مدارس تامین کننده نیروی کیفی جامعه اند و نه فقط تامین کننده کمیتی از خیل عظیم نیروی انسانی که به عنوان تحصیل کرده روانه جامعه می شوند. پس شناسایی و ایجاد زمینه برای رشد خصایل ممتاز بشری، اولین دغدغه دست اندرکاران تعلیم و تربیت در کلیه فعالیت های علمی یا فرهنگی است که باید با تمام وجود خود را وقف ایفای این وظیفه سنگین کنند. نشاط و شادابی در مدرسه باعث رشد و تکامل همه ابعاد وجودی یک دانش آموز در بعد جسمانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی و معنوی می شود. چنانچه یک بعد از این ابعاد دچار صدمه شود و یا مورد غفلت و فراموشی قرار گیرد، دانش آموز به توانایی ها و شایستگی های کامل دست نخواهد یافت. این وظیفه مسئولین تعلیم و تربیت است که شرایطی را فراهم آورند تا تمام نیازهای او تامین شود. شاد زیستن برای کودک به همان اندازه مهم است که تغذیه خوب، محبت کردن و حفاظت از او اهمیت دارد، زیرا سلامت روحی و روانی و فیزیکی و جسمانی او را تامین می کند. نرخ شادی و خنده در مدارس ما بسیار پایین است. میزان شیوع خنده و توسعه فضای فرح بخش در آموزشگاه ها مورد بی مهری قرار گرفته است. در جامعه و مدرسه فاقد شادی، سخن گفتن از شادی قدری مشکل خواهد بود. یکی از مشکلات هر جامعه غفلت از شادی و نشاط و در نتیجه افزایش بیماری های مختلف روانی از قبیل اضطراب و افسردگی است. با شادی و نشاط زندگی معنا پیدا می کند و در پرتو آن دانش آموزان خصوصاً در دوران نوجوانی و جوانی می توانند خود را ساخته و قله های سلوک و پله های ترقی را چالاکانه بپیمایند. جامعه زنده و پویا جامعه ای

است که عناصر شادی‌آفرین در آن فراوان باشد. در گذشته به‌نظر می‌رسید که وظیفه آموزش و پرورش تولید عده‌ای فارغ التحصیل است که فقط بتوانند امرار معاش کنند اما چنین می‌نماید که در قرن جدید نظام‌های آموزش و پرورش این مرحله را پشت سر گذاشته و سرلوحه تعلیم و تربیت در یک جمله خلاصه شده است؛ «شوق زندگی کردن را به دانش‌آموزان بیاموزیم». پس باید معتقد باشیم که درحقیقت رشد پایدار ما در گرو شادی پایدار است. یکی از عوامل موثر تربیتی در آموزش و پرورش جدید، نحوه معماری فضاهای آموزشی است. در تعلیم و تربیت جدید، فضای فیزیکی مدرسه نه تنها یک محیط خشک و بی روح در فرآیند یادگیری محسوب نمی‌گردد، بلکه به عنوان یک عامل زنده و پویا در کیفیت فعالیت های آموزشی و تربیتی دانش آموزان نقش ایفا می‌کند. به عقیده صاحب نظران تعلیم و تربیت، در یک نگاه سیستمی، چگونگی معماری مدارس و عناصر تشکیل دهنده آن مثل رنگ، نور، صدا، تجهیزات و جز آن می‌توانند در کنار سایر عوامل آموزشی و تربیتی اثرات قابل توجهی بر فراگیران و دانش آموزان باقی گذارند. رنگ به عنوان اساسی ترین جلوه فضاهای آموزشی و پرورشی می‌تواند در کارایی درونی دانش آموزان موثر باشد. رنگ ها می‌توانند موجب شادی، امید یا ناراحتی و اندوه در افراد شوند. وجود رنگ مطلوب در فضاهای آموزشی تاثیر مثبتی در افراد داشته و حس علاقه مندی آنان را نسبت به تحصیل و یادگیری بر می‌انگیزد و موجب پیشرفت زندگی اجتماعی و نشاط آنان می‌گردد. بنابراین باید رنگ متناسب با محیط مورد نظر در طراحی فضاهای آموزشی در نظر گرفته شود. این پژوهش بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

نظریه های مختلف فضای آموزشی شاداب و تاثیر آن بر مدارس

در آموزش و پرورش مدرن افزون بر مهارت های خواندن، حساب کردن و نوشتن نیازهای جدیدی در قالب کسب مهارت زیستن و حل مسئله و چگونگی رویارویی با چالش های هزاره سوم مطرح شده است پژوهش ها حاکی از آن است که فرایند تعلیم و تربیت فعال متخصص وجود شور و طرب، نیاز و جوشش، تلاش و پشتکار و نشاط در همه ی ابعاد آن است چرا که هر گونه ارتباط و تعلیمی که بدون روح تحرک، پویایی و شادی و نشاط باشد به شکست منتهی می‌گردد. شادی یکی از نیازهای اساسی انسان و لازمه زندگی اوست. پیامبر اکرم می‌فرمایند بازی کنید و شاد باشید همانا من ناراحتم که در دین شما خستگی و بی‌نشاطی دیده شود.

فوردیکسون (۱۹۹۸) اظهار داشته است که شادمانی و سرور قسمتی از شادکامی است که منجر به بازی و سرگرمی شده و امکان توسعه مهارت های جسمی اجتماعی و ذهنی را فراهم می‌سازد و علاقه منجر به اکتشاف و افزایش معلومات می‌گردد. مدرسه شاد می‌تواند شوق زندگی را به دانش آموزان هدیه دهد.

تحقق اهداف متعالی آموزش و پرورش و لزوم توجه به روحیات و ویژگی های نسل دانش آموز ایجاب می‌کند که اداره امور مدارس مبتنی بر افزایش قدرت تصمیم گیری استقلال نسبی انعطاف پذیری و روش های غیر متمرکز و مشارکت جویانه باشد تا بتواند فضای عمومی مدرسه را پویا پرنشاط و فعال نموده و توانمندی ها و خلاقیت های مدیران معلمان و دانش آموزان را به خوبی شکوفا و متجلی سازد.

علم به مطالب بیان شده باعث تقویت مسئولین آموزش و پرورش از جنبه تئوریکی می‌شود. اما مسأله این است که این مبانی تئوریکی کمتر عملی می‌شود. شاهد این مدعا دانش آموزان است که در مدرسه با نگاههای مکرر به ساعت منتظر پایان ساعت مدرسه و رهایی از آن هستند. توجه به این نکته لزوم تجدید نظر در شیوه اداره مدرسه و برنامه های آن را به ما گوشزد می‌کند. بنابراین هر یک از ما ملزم به ارائه برنامه هایی جهت شاد کردن محیط مدرسه برای دانش آموزان هستیم تا شوق حضور در محیط شاد مدرسه را در دانش آموزان ایجاد کنیم تا بدینوسیله به ارتقا سطح کیفی تعلیم و تربیت کمک نماییم.

امروزه شادابی و نشاط فضای آموزشی نقش و جایگاه برجسته‌ای در میحث کیفیت و برنامه‌ریزی آموزشی دارد. به طوری که شور و شوق به تحصیل، فعال شدن حس کنجکاوی و افزایش خلاقیت دانش آموزان ارتباط نزدیکی با وضعیت محوطه آموزشی آنها دارد. ایجاد محیط آموزشی با نشاط برای دانش آموزان سال‌هاست که به عنوان یک دغدغه جدی نزد سیاست‌گزاران و برنامه

ریزان آموزش و پرورش مطرح شده است. این مسأله یکی از نیازهای اساسی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی است، زیرا کودکان بسیار بصری هستند. آنها از محیط و فضاهایی که نشاط و شادابی را القاء کند، لذت می‌برند و به دلیل افزایش انگیزه‌ها، پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های علمی خواهند داشت. اگر امکانات، تسهیلات و برنامه‌ریزی‌های دقیق و متناسب آموزشی بتوانند حس کنجکاوی فراگیران را تحریک کنند و آنها را به سوی خود جذب نماید، این محیط برای آنها نشاط آور و شاداب خواهد بود. بنابراین لازم است والدین و مربیان و همه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش با همکاری و تعامل، تلاش خود را بکار گیرند تا مراکز آموزشی را به محیط‌هایی با نشاط و جذاب برای دانش‌آموزان تبدیل کنند تا پیشرفت تحصیلی آنها ارتقاء یابد. برای دستیابی به تحقق آرمان‌های مربوط به شاداب سازی مدارس جهت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، باید تحولات جدی در نگرش مدیران و مسؤولان نظام آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی‌های آموزشی مطابق با استانداردهای جهانی ایجاد نمود. دنیای صنعتی امروز و پیچیده شدن روابط، میزان ناکامی‌ها و فشارهای روانی مردم رو به افزونی گذاشته و زندگی را به کام برخی تلخ کرده است. افراد دیگر به ارضای نیازهای اولیه راضی نیستند و نیازهای جدیدی بر گستره‌ی نیازهای قبلی پا بر عرصه وجود گذاشته است. در این بین دانش‌آموزان از این قاعده مستثنی نبوده و نسبت به نسل‌های قبل تکالیف پیچیده‌تر بر عهده داشته و ملزم به رعایت برنامه‌ریزی‌های نوین آموزشی می‌باشند. گاهی شکست‌ها و ناکامی‌ها باعث دلسردی آنان در حل مسائل می‌شود و در واقع درماندگی آموخته شده ایجاد می‌شود. به نظر می‌رسد، شکست‌ها کمتر باعث بروز عاطفه منفی در افراد شاد می‌شود و هر شکست با خوش‌بینی تجربه‌ای برای رسیدن به پیروزی تلقی می‌گردد، اما شادی، خصوصیتی است که تحت تأثیر ویژگی‌های سرشتی و شخصیتی فرد خصوصاً درون‌گرایی و برون‌گرایی قرار دارد (بین بریج، ۲۰۱۰).

از طرف دیگر تحت تأثیر تجارب و یادگیری نیز قرار دارد. در واقع شادی همانند ثروتی است که می‌توان آن را از دست داد و یا اینکه بر آن افزود. با استفاده از روش‌های شادی بخش در جریان آموزش و برنامه‌ریزی آموزشی فراگیران، می‌توان علاوه بر ایجاد محیطی رضایت بخش برای دانش‌آموز، با بسیاری دیگر از مشکلات از جمله میزان غیبت، دیرآمدگی، بی‌حوصلگی و کسالت در کلاس درس، امراض جسمی و روحی و در نهایت مسأله افت تحصیلی، مقابله شود و محیطی فراهم شود که امکانات فراگیری مؤثر دانش‌آموز در نظر گرفته شود. لذا توجه به تأثیر روش‌های شادی بخش در برنامه‌ریزی آموزشی دوره‌های مختلف تحصیلی ضروری به نظر می‌رسد (کرافت، ۲۰۰۸).

از آنجایی که نشاط، تحرک، پویایی، شادابی از ویژگی‌های نسل امروز است و موافق طبع و مقتضیات فطری اوست، خمودگی، سستی، انزوا، بی‌حرکی، غمناکی، پژمردگی، آفت بزرگ و مانع عظیم رشد و شکوفایی و خلاقیت و کارآمدی نسل جوان می‌باشد. جلوگیری از نشاط و شادابی جوانان و جلوگیری از بروز احساسات و هیجانات عاطفی آنان، موجب سرخوردگی و بروز بیماری حقارت و عقده‌های روحی و روانی است. اسلام دین زیبایی و نشاط و دینی آسان و منعطف است. انبساط روحی، بهجت افزایی و خنده رویی از زمینه‌های رشد و شکوفایی جوان و زمینه‌ای برای تخلیه عقده‌های روحی و فشارهای روانی است. نشاط و انبساط روحی، یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری شخصیت مثبت در کودکان و نوجوانان است و بالعکس، اضطراب و تشویش خاطر عامل مهمی در توقف استعدادها است. روانشناسان حالت شادی را نتیجه عمل هماهنگ و منسجم و سامان یافته همه عواطف یک فرد می‌دانند و معتقد هستند که نشاط و آرامش روحی زمینه‌های باروری خرد و اندیشه را به وجود می‌آورد (اسکندری، ۱۳۸۶).

«مارشال ریو» (۱۳۷۴) نویسنده کتاب «انگیزش و هیجان» در تعریف شادی همچنین می‌نویسد: «شادی احساس مثبتی است که از حس رضایت‌مندی و پیروزی به دست می‌آید». شادی یکی از نیازهای اساسی زندگی و عاملی برای رشد و موفقیت است. نظام هستی به گونه‌ای است که اسباب شادی را برای انسان فراهم می‌کند؛ بهار طرب‌انگیز، آبشارهای زیبا، گل‌های رنگارنگ، صحنه طلوع خورشید، باران لطیف، پرندگان زیبا و نغمه سرایی آنها و بسیاری دیگر از پدیده‌های شگفت انگیز جهان، شادی را برای ما به ارمغان می‌آورند. البته دین ما یعنی دین فطرت و طبیعت، پیروان خود را به شادی‌های مثبت و سازنده دعوت می‌کند.

نرخ شادی و خنده در مدارس ایران بسیار پایین است و در برنامه‌ریزی آموزشی نیز جایگاه ویژه‌ای ندارد. میزان شیوع خنده و توسعه فضای فرح بخش در آموزشگاه‌ها مورد بی‌مهری قرار گرفته است. در جامعه و مدرسه فاقد شادی، سخن گفتن از شادی قدری مشکل خواهد بود. یکی از مشکلات هر جامعه غفلت از شادی و نشاط و در نتیجه افزایش بیماری‌های مختلف روانی از قبیل اضطراب و افسردگی است (جعفری مقدم، ۱۳۸۵).

با شادی و نشاط زندگی معنا پیدا می‌کند و در پرتو آن دانش‌آموزان خصوصاً در دوران نوجوانی و جوانی می‌توانند خود را ساخته و قله‌های سلوک و پله‌های ترقی را چالاکانه بپیمایند. جامعه علمی زنده و پویا، جامعه‌ای است که عناصر شادی‌آفرین در آن فراوان باشد و در برنامه‌ریزی آموزشی نظام‌های مختلف آن، راهکارهایی جهت شادابی و نشاط دانش‌آموزان طراحی و تنظیم گردد. در گذشته به نظر می‌رسید که وظیفه آموزش و پرورش تولید عده‌ای فارغ التحصیل است که تنها بتوانند امرار معاش کنند، اما چنین می‌نماید که در قرن جدید برنامه‌ریزی‌های آموزشی نظام‌های آموزش و پرورش این مرحله را پشت سر گذاشته و سرلوحه تعلیم و تربیت در یک جمله خلاصه شده است؛ «شوق زندگی کردن را به دانش‌آموزان بیاموزیم». پس باید معتقد باشیم که درحقیقت رشد پایدار ما در گرو شادی پایدار است. معلمین باید توان خوشایند کردن، سالم‌تر کردن و بارورتر کردن محیط‌های آموزشی را کسب کنند. پس باید بکوشیم تا عشق، جرأت، ایمان، امید و اعتماد، اعتدال در کارها و نشاط و پویایی در کار و رفتار را در خویشتن، همکاران، خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان گسترش دهیم و با هم شادی و سلامت به ارمغان آوریم و برای سعادت بشر تلاش کنیم (سلیگمن، ۱۹۹۰).

ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد. پیشرفت علمی نیز حاصل نمی‌شود مگر این که افراد متفکر و خلاق تربیت شده باشند. پیشرفت تحصیلی ضمن این که در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می‌شود. دانش‌آموزان و دانشجویانی که از موفقیت‌های تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده‌ی احترام به آنان می‌نگرد و در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و درکنار این‌ها از هزینه‌های گزافی که از افت تحصیلی، تحمیل آموزش و پرورش می‌شود کاسته خواهد شد. «پیشرفت تحصیلی» یعنی این که اگر سطح مورد انتظار آموزشی برآورده شود، سازمان آموزش و پرورش به اهداف از پیش تعیین شده در برنامه‌ریزی آموزشی نزدیک‌تر خواهد شد (جعفری مقدم، ۱۳۸۵).

هم‌زمان با شکل‌گیری تمدن بشری، متفکران بزرگ به بحث و گفتگو در خصوص حیات انسانی و زندگی مطلوب پرداخته‌اند. برخی از افراد، ایده‌آل خود را در ثروت، برخی در داشتن روابط پرمعنا و برخی دیگر در کمک به افراد نیازمند می‌بینند. همه این افراد از لحاظ شرایط و ظواهر بیرونی با یکدیگر متفاوت اند، اما از یک احساس تندرستی ذهنی مشترک برخوردارند. در صورتی که افراد از شرایط زندگی راضی بوده، مکرراً عواطف مثبت را تجربه نمایند و بالعکس عواطف منفی کمتری را تجربه کنند، گفته می‌شود که از تندرستی ذهنی بالایی برخوردار هستند. یکی از نیازهایی که نوجوانان را به خود مشغول می‌دارد، انتخاب کار و پیشه برای زندگی آینده شان می‌باشد. برخی از نوجوانان در انتخاب شغل، هدف مشخصی را دنبال نمی‌نمایند، بلکه برای آنکه صرفاً شغلی داشته باشند به هر کاری دست می‌زنند (جعفری مقدم، ۱۳۸۵ ص ۲۳).

گروهی از نوجوانان به کارهایی ابراز علاقه می‌نمایند که از استعداد و توانشان خارج می‌باشد و گروهی دیگر به مشاغلی دلبستگی نشان می‌دهند که با امکانات بدنی و روانی شان سازگاری ندارند. در این سرگشتگی‌ها تنها مربیان دلسوز، دانا، توانا و باتجربه نوجوانان را به انتخاب مشاغلی راهنمایی می‌کنند که برایشان همراه امید، موفقیت و خوشبختی باشد. ایجاد فرصت برای همکاری با گروه‌های همسن و مورد علاقه نوجوانان از اهمیت تربیتی، پرورشی و برنامه‌ریزی آموزشی بالایی برخوردار می‌باشد. نوجوانان از این که خود را افرادی مفید و مؤثر ببینند، احساس اهمیت می‌کنند و همین امر در پویایی و سلامتی آنان کارساز خواهد بود (کریمی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷).

در رویکرد معمول آموزش و برنامه‌ریزی آموزشی، معلم بسیار فعال و دانش‌آموزان نقش منفعلی دارند. این حالت بیشتر در زمینه‌دگیری دانش و اطلاعات کاربرد دارد، اما وقتی یادگیری مهارتی خاص مورد نظر است، که باید اطلاعات در عمل مورد استفاده قرار بگیرد، شیوه آموزشی مدرن و برنامه‌ریزی آموزشی نوین مدنظر است و می‌توان از طریق نمادهای مختلف مثل:

آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها به آموزش مهارت‌های زندگی همت گماشت تا شاهد کاهش تراکم جمعیت کیفی باشیم. اگر دانش‌آموزان مهارت‌های زندگی را بیاموزند، هیچگاه مرتکب رفتارهای هنجار شکن نخواهند شد (هافمن، ۱۳۸۴ ص ۱۱۳).

ویژگی‌های زیر می‌تواند نشانه‌های شادابی تحصیلی یک مدرسه و نشاط را در یک برنامه‌ریزی آموزشی جامع به همراه داشته باشد: ۱. پرسش‌گری: معلم می‌تواند جهت افزایش اطلاعات خود از همه منابع در دسترس از جمله مبادله اطلاعات با همکاران آموزشگاهی خود در برنامه‌ریزی آموزشی استفاده کند. ارتباط با سایر محافل از جمله محافل دانشگاهی، مراکز تحقیقاتی و یا شرکت در همایش‌های تعلیم و تربیتی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. ۲. افزایش مطالعه: منابعی مانند: کتاب‌های مرتبط، مجلات، مقالات جدید، مراجعه به سایت‌های اطلاعاتی و نمایه‌های اسنادی ۳. افزایش اطلاعات تجربی و مشاوره‌ای: شرکت در همایش‌های علمی، کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت، فرصت‌هایی مناسبی برای این مورد هستند. چنین فرصت‌هایی هم مهارت معلمین را در برنامه‌ریزی آموزشی افزایش می‌دهد و هم تعاملات مشاوره‌ای و مهارت استفاده از تجربیات دیگران را افزایش می‌دهد. بهره‌گیری از یک قالب استاندارد در روش مورد نظر، مقایسه بین روش‌ها و نیز شیوه مشارکت آنها را آسان تر می‌کند (هاتوس، ۱۳۸۶).

بدین ترتیب مدیریت تفکر و مسائل عمومی، پیش درآمد و مقدمه لازمی برای خط مشی گذاری به شیوه اقتضایی است. زیرا به مدد آن است که شرایط و اوضاع و احوال را می‌توان شناخت و شیوه مناسب برنامه‌ریزی آموزشی در مدارس را در مقابل آن برگزید. باید به این نکته مهم توجه کرد که در مدیریت مسائل عمومی یادگیری و برنامه‌ریزی آموزشی، آگاهی از مشکلات به معنای تسلیم شدن، قبول کردن و واکنش انفعالی نشان دادن در مقابل آنها نیست، بلکه کوششی برای شناخت مسائل و اداره آنهاست. معلم اثربخش می‌تواند در مقابل مسائل یادگیری، صرفاً نقش مخالف یا پذیرندگی و تسلیم را ایفاء کند یا آنکه به استقبال مشکلات رفته با آنها به طور فعال برخورد نماید. مدیریت تفکر به شناخت مسائل می‌پردازد نه این عنوان که به تغییرات تن درد دهد، بلکه با این هدف که تغییرات را جهت داده برای آنها پاسخی مناسب و سازنده در جهت مسؤولیت خود بیابد. بدین ترتیب و با استفاده از یک شیوه‌ی مناسب، مشکلات به طور واقعی شناخته می‌شوند و انتظارات و توقعات جامعه فراگیر منعکس شده، از احساس بی تفاوتی و بی‌نقشی آنان کاسته شده و آنان نیز خود را در روند فراگیری مهم و مؤثر می‌یابند.

«جان دیویی»، متفکر بزرگ مسائل تربیتی، معتقد است مدرسه باید خودکاری دانش‌آموز را تشویق کند. اساس کار مدرسه نباید تنها تبعیت و فرمانبرداری باشد و مقررات را مدار قرار ندهد تا دانش‌آموز بتواند به پرورش خلاقیت بپردازد. در صورتیکه در حال حاضر مشکل اساسی مدارس این است که در آنها اندیشه‌های خلاق یادگیرندگان به سبب غیرمعمول بودن، نه تنها مورد تشویق قرار نمی‌گیرند، بلکه مورد ایراد و سرزنش واقع می‌شوند. سرزنش دانش‌آموزان به خاطر داشتن رفتار و افکار غیرقابلی، می‌تواند ریشه‌های تفکر خلاق و توانایی کشف مسائل تازه را در همان روزهای نخستین آموزش مدرسه‌ای در آنها بخشکند. اگر بخواهیم خلاقیت دانش‌آموزان را توسعه دهیم و امکان بروز استعدادها بالقوه را در آنان فراهم سازیم، باید در جو حاکم بر محیط آموزشی تجدیدنظر کنیم. برای مثال، نمی‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که از جای خود تکان نخورند، در طرز نشستن، حرف زدن و لباس پوشیدن‌شان از یک الگوی واحد پیروی کنند، همان پاسخی را به سؤالات بدهند که از نظر معلم تنها پاسخ صحیح است و در عین حال خلاق هم باشند. البته منظور این نیست که هرج و مرج و بی‌نظمی در مدرسه حاکم باشد، زیرا لازمه هر آموزشی نظم است. هدف برقراری نظم و مقررات قابل انعطاف است یعنی نظم مربوط به مسائل کلی باشد و جزئیات رفتار و گفتار را تحت تأثیر قرار ندهد (هاتوس، ۱۳۸۶ ص ۷۱).

اگر مدرسه به جای جوی سلطه‌جویانه و غیرقابل انعطاف از جوی مناسب و حمایت‌کننده برخوردار باشد، هم معلم با احساس امنیت و آسودگی خیال می‌تواند به ارائه طرح‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی جدید و مؤثر بپردازد و هم دانش‌آموزان با اعتماد به نفس و ایمنی روانشناختی به انجام فعالیت‌های خلاق می‌پردازند. امروزه در دنیا یکی از مباحثی که در امر یاددهی و یادگیری به شدت روی آن تأکید می‌شود، یادگیری چگونه «فکر کردن» و چگونه «یادگرفتن» است، نه «چه یادگرفتن». گاهی توجه

بیش از حد به «چه یاد گرفتن» سبب می‌شود از نظر کمیت مفاهیم زیادی را در ذهن دانش‌آموزان انباشته کنیم، به آنها ماهی می‌دهیم آن هم به مقدار زیاد که ناچارند مازاد آن را دور بریزند و توجهی به چگونگی یاد گرفتن آنها و مفید بودن مواد آموخته شده برای زندگی حال و آینده دانش‌آموزان نداشته باشیم (اسکندری، ۱۳۸۶ ص ۲۸).

محیط آموزش و شادابی دانش آموز

فضاهای آموزشی به دلیل محدودیت‌های خاص خود برای خشک و بی روح شدن مستعد است اما باید تمام تلاش‌ها را به کار گرفت تا از وقوع این حادثه جلوگیری کرد. اهمیت دادن به فضاهای آموزشی و رعایت اصول و استانداردهای مربوط به آن در طراحی این مراکز منجر به خلق محیطی متناسب با خواسته‌های روانی دانش‌آموزان و در نتیجه جامعه می‌گردد (اسکندری، ۱۳۸۶ ص ۳۰).

ریشه علاقه هر دانش‌آموز به آموختن در مدرسه و قرار گرفتن در محیط آموزشی شکل می‌گیرد و در صورت ناهماهنگ بودن محیط با انتظارات فرد حس دافعه و عدم علاقه به یادگیری در فراگیر شکل می‌گیرد. شکل و چیدمان کلاسها، رنگ، نور و تهویه، امکانات آموزشی، دکوراسیون داخلی و همه و همه در آموزش پذیری و ایجاد علاقه و رغبت در دانش‌آموز مؤثر است. در حال حاضر کمتر ساختمان آموزشی را می‌توان دید که دارای تمام اسلوب‌ها و استانداردها باشد اما امید می‌رود در ساخت بناهای جدید آموزشی این استانداردها رعایت گردد.

عوامل فیزیکی در شادابی دانش آموز

یکی از ابعاد محیط آموزشی عوامل فیزیکی می‌باشد که در ایجاد انگیزه و اشتیاق به آموزش نمی‌توان از تاثیرات آن غافل شد، عوامل فیزیکی مربوط به محیط‌های آموزشی و جاذب بودن آن‌ها در قسمت‌هایی به شرح ذیل دسته‌بندی و تبیین شده است.

۱- نور و عوامل مربوط به آن مانند میزان و شدت نور، نوع نور (طبیعی یا مصنوعی)؛

۲- ابعاد ظاهری کلاس شامل دیوار، درب و کف کلاس، سرانه مساحت و سرانه فضا؛

۳- رنگ و تاثیر آن بر آموزش و محیط‌های آموزشی؛

۴- حرارت و تهویه کلاس؛

۵- صدا و عوامل مربوط به آن؛

۶- سازماندهی و آرایش کلاس؛ (زارعی و همکاران، ۱۳۸۸ ص ۷۹).

الف- ابعاد ظاهری کلاس

در ارتباط با چگونگی ویژگیهای سطوح و ابعاد ظاهری کلاس، به طور کلی می‌توان گفت که دیوارهای کلاس باید خشک، بدون درز، صاف و حداقل تا ارتفاع ۱/۵ متر قابل شستشو بوده و بهتر است از سنگ باشد. دیوار کلاس‌ها باید ساده باشد تا گردوغبار روی آن جمع نشود. کف کلاس‌ها باید قابل شستشو، مسطح و بدون درز بوده، لغزنده و مرطوب نباشد. این نکات در مورد سقف نیز باید رعایت شود. رنگ نیز باید مورد توجه قرارگیرد و در رنگ آمیزی کلاس باید از رنگ‌های آرامش بخش استفاده کرد. رنگ دیوارها بهتر است قابل شستشو باشد. بنابراین، سطوح دیوار و سقف کلاس باید دارای رنگ‌های روشن و کف کلاس بهتر است به رنگ تیره باشد (غلامی، ۱۳۹۰: ۳).

نویفرت (۱۳۷۳) در مورد شکل کلاس اظهار می‌دارد که مستطیل یا دوزنقه، بهترین شکل برای کلاس درس است. اشکال مربع، مدور یا بیضی و غیره از لحاظ صوتی مناسب نیست. مساحت‌های بزرگ انحنادار، ایجاد نقاط کانونی کرده، مانعی بزرگ برای صدا ایجاد می‌کند برای هر دانش‌آموز ۱/۵ مترمربع زمین و ۵/۵ مترمربع هوا لازم است. به عبارت دیگر، برای یک

کلاس ۳ نفری، ابعاد اتاق باید به طول ۸ متر و عرض ۶ تا ۷ متر و ارتفاع ۴ متر باشد. فضای لازم برای هر دانش آموز نباید از ۴/۵ مترمکعب و ارتفاع ۳ متر کمتر باشد. بنابراین، درانتخاب یک مکان برای کلاس، باید حجم کلاس و تعداد دانش آموزان را مد نظر قرارداد(به نقل از زارعی، ۱۳۸۸: ۸۱).

ب-رنگ و تاثیر آن بر آموزش و محیط های آموزشی

رنگ به عنوان عنصر تفکیک ناپذیر معماری، تاثیر فراوان بر روح و رفتار کارکنان فضاها و ساختمان ها دارد و حالات روانی و عاطفی آنان را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد(فضل الهی، ۱۳۸۹ ص ۴۵).

انسان پدیده های اطراف خویش را همراه با رنگ مشاهده می کند و نسبت به آنها واکنش نشان می دهد. رنگ ها هر یک حاوی پیامی خاص به بینندگان هستند که این موضوع از قدیم الایام مورد بررسی و تحقیق روان شناسان بوده است. در مدارس، رنگ فضاها و تجهیزات آموزشی به دلیل شرایط سنی و روحی کودکان و نوجوان از حساسیت بیشتری برخوردار است زیرا این امر در شادابی، نشاط، آرامش روانی، تحرک و تلاش دانش آموزان تاثیرگذار بوده و فرآیند یادگیری را افزایش می دهد. همچنان که می تواند زمینه کسالت، خمودگی، بی تحرکی، عصبانیت، اضطراب و افسردگی آنان را فراهم آورد.(ماهون، ۲۰۱۰ ص ۱۳).

برای بهره وری مطلوب از رنگ باید شرایط سنی، جنسیت و کارکرد هر یک از فضاها مورد توجه قرار گیرد. پیشنهاد استفاده از یک رنگ خاص برای مدارس سراسر کشور امکان پذیر نیست زیرا شرایط اقلیمی گوناگون و تفاوت وضعیت آب و هوایی در استان ها و مناطق، ضرورت استفاده از رنگ های گوناگون را اجتناب ناپذیر می سازد. برای رنگ آمیزی دیوارهای داخلی کلاس ها اغلب از رنگ های آرام مانند کرم و بژ استفاده می شود. برای راهروها و راه پله ها می توان از رنگ های سرد و آرام مانند آبی و سبز کم رنگ استفاده کرد. این رنگ ها در کنترل هیجانات روحی تاثیر به سزایی دارند و علاوه بر آرامش محیط، از حوادث احتمالی دانش آموزان نیز می کاهند(کلی، ۲۰۰۹ ص ۱۱۱).

در سالن ها، فضاهای ورزشی و اماکن صرف غذا باید از هماهنگی رنگ های کرم مانند (قرمز، نارنجی و زرد) استفاده شود. در سرویس های بهداشتی به لحاظ ویژگی های فضای آموزشی، استفاده از رنگ سفید مناسب تر است. وجود این رنگ و لطمه پذیری آن در اثر کم ترین آلودگی حداقل هشدار می است که مسئولان نظافت فضاهای آموزشی را مجبور به کنترل و نظافت مستمر خواهد کرد. (ماهون، ۲۰۱۰ ص ۱۴).

مدرسه، محیطی برای شکوفایی استعداد دانش آموزان و خودشناسی است و علایق و استعداد های دانش آموزان متفاوت است. محیط آموزشی باید به گونه ای باشد تا این استعدادها شکوفا شده و معنی تعلیم و تربیت واقعی مشخص شود.

پ-حرارت و تهویه کلاس

یکی دیگر از عوامل تأثیر گذار بر یادگیری، تجهیزات مناسب برای تولید گرما و سرماست که کم توجهی به آن می تواند سبب افت در یادگیری و آسیب های جانی شود. بر اساس گزارش مؤسسه استاندارد ایران، حرارت ۱۶-۱۸ درجه سانتی گراد برای کلاس درس مناسب بوده و وجود جریان هوا برای آن ضروری است. اگر هوای محیط بیش از اندازه گرم باشد، بر مکانیسم تنظیم حرارت بدن فشار وارد آمده و بازده فعالیت های فیزیکی و مغزی کاهش خواهد یافت. بنابراین، مشاهده می شود که وضعیت حرارت در کلاس، عاملی است که بر چگونگی فعالیت فراگیران و در نتیجه یادگیری آنان اثر می گذارد (کرافت، ۲۰۰۸ ص ۴۰).

در تحقیقی که در دانشگاه هاروارد روی دانش آموزان مدارس ابتدایی در زمینه هوای لازم صورت گرفت، مشخص شد که اگر فعالیت افراد زیاد شود، میزان هوای لازم از مقدار هوای ضروری در حالت عادی زیاده تر خواهد بود. ضمناً هوای کلاس معمولاً سه تا پنج مرتبه در هر ساعت باید تعویض شود زیرا هوای داخل اتاق نباید بیش از یک درصد دی اکسید کربن داشته باشد(کرافت، ۲۰۰۸ ص ۴۲).

درجه حرارت مناسب برای کلاس ۱۸ درجه سانتیگراد است و به طور کلی، سیستم های حرارت مرکزی بهترین وسایل برای تأمین و کنترل حرارت مورد نیاز هستند. از آنجا که در همه مدارس ما امکان داشتن این سیستم ها هنوز موجود نیست، جهت تأمین گرمای مناسب در کلاس ها بهتر است از بخاری های گازی با لوله های بلند استفاده شود. برای داشتن رطوبت مناسب می توان از ظروف بزرگ آب بر روی بخاری استفاده کرد (هافمن، ۱۳۸۴ ص ۵۰).

ت- صدا و متغیرهای مربوط به آن

صدا نیز به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیر گذار بر یادگیری محسوب می شود. با اینکه گاهی صداهای بیرون از کلاس به داخل کلاس راه می یابد، دانش آموزان قدرت شنوایی خود را در اختیار صدای معلم قرار داده و فقط مطالبی را به مغز راه می دهند که از معلم می شنوند. اگر می یابد، دانش آموزان قدرت شنوایی خود را در اختیار صدای معلم قرار داده و فقط مطالبی را به مغز راه می دهند که از معلم می شنوند. اگر صداهای بیرون از کلاس بر صدای معلم تفوق یابد، در این صورت فراگیران ناخواسته قدرت شنوایی خود را در اختیار صداهای بیرون نهاده یا حداقل به هیچکدام از صداها حتی به صدای معلم نیز گوش فرا نمی دهند. غالباً در این مواقع آشفتگی در فراگیران به وجود می آید و اهمیت موقعیت مکانی کلاس در اینجا مشخص می گردد. عواملی که بر قابلیت شنوایی افراد تأثیر می گذارند، عبارتند از: «شکل اتاق، وسایل اتاق، وضعیت منبع صدا و زمان برگشت صدا» که این عوامل نیز در زمان ساخت فضای آموزشی باید مورد توجه خاص قرار گیرد. (جعفری، ۱۳۸۹ ص ۱۲۷).

ث- سازماندهی و آرایش کلاس

مهمترین تحول در فضاهای آموزشی، شکستن خط نگاه معلم و دانش آموزان و ایجاد فضا برای تعامل دانش آموزان با یکدیگر است. بدین منظور اساساً ردیف های خطی، مغایر با روحیات دانش آموزان شناخته می شود.

در کلاسهای سنتی که صندلی های دانش آموزان در ردیف های منظم و پشت سرهم چیده می شود و میز معلم در جلوی کلاس قرار می گیرد، تمام توجه به معلم متمرکز می شود و ارتباط میان دانش آموزان اندک است. این نظم و ترتیب هنگامی که معلم درسی را برای همه کلاس ارائه می دهد، ممکن است بسیار مطلوب باشد، اما یادگیری از همکلاسی ها و کارگروهی را غیر ممکن می سازد. دانش آموزان ردیف آخر کلاس، در فاصله زیادی از معلم قرار دارند و به احتمال زیاد کسانی هستند که مشکلات انضباطی و بی نظمی را ایجاد می کنند. (اوئیشی، ۲۰۱۰ ص ۶۰).

در برخی از کلاس ها صندلی ها دور میز ها چیده می شود و میز معلم در حاشیه قرار می گیرد که این نوع آرایش در کلاس های علوم تجربی به کار گرفته می شود. اگر امکانات کلاس به صورتی باشد که آرایش دانش آموزان به شکل دایره یا U شکل سازماندهی شود، دانش آموزان با یکدیگر و با معلم می توانند ارتباط متقابل برقرار کنند. در این صورت، معلم جزئی از دانش آموزان محسوب شده و می تواند علاوه بر تدریس، به راهنمایی و هدایت بحث های جمعی دانش آموزان نیز بپردازد (کیلی، ۲۰۰۹: ۵۸).

در هر حال، هنگام بررسی طرز چیدن صندلی ها در کلاس، توجه به همه دانش آموزان، شایان اهمیت است. یکی از نیازهای اساسی کودکان این است که مورد توجه دبیران قرار گیرند، به صورت گروه های ۴ یا ۵ نفره کنار هم قرار گیرند و از تعامل با هم و انجام کارهای گروهی زیر نظر معلم به عنوان یک راهنما با شوق و علاقه به آموزش بپردازند. چنانچه فضای فیزیکی کلاس مشوق ایجاد این احساس در دانش آموزان باشد، بدون تردید از میزان مسائل و مشکلات انضباطی نیز به طور چشمگیری کاسته خواهد شد (مارشال ریو، ۱۳۷۴: ۱۱۹).

غلامی و چاری (۱۳۹۰) پیش بینی شادمانی دانش آموزان دوره راهنمایی بر اساس ادراک آنها از انتظارات معلم، نحوه تعامل معلم و خودکارآمدی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که برخی از ابعاد تعامل معلم و دانش آموزان و انتظارات معلم به صورت مستقیم قدرت پیشی بینی شادمانی را دارند و نیز برخی از این ابعاد پیشی بینی کننده مستقیم خودکارآمدی هستند.

جعفری و طالب زاده (۱۳۸۹) با ارائه مدلی نشاط و شادی در مدارس ابتدایی شهر تهران را مورد بررسی قرار دادند. طبق نتایج به دست آمده از دیدگاه معلمان و مدیران به ترتیب اهمیت، عوامل فیزیکی، عاطفی-اجتماعی، فردی و آموزشی در شادی و نشاط مدارس ابتدایی دخترانه شهر تهران مؤثر شناخته شدند.

فضل الهی و همکاران (۱۳۸۹) سنجش میزان و عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران را مورد تحقیق قرار دادند. تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که میزان شادی دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران در سطح مطلوب بوده و بین میزان شادی دانشجویان دانشکده‌های مدیریت، حقوق و فقه و فلسفه تفاوت معنی داری وجود دارد، اما بین میزان شادی دانشجویان دختر و پسر و مقاطع مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معنی داری مشاهده نشد. همچنین شش عامل به عنوان عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان شناسایی شد که به ترتیب زیر اولویت‌بندی شدند: ۱. تعامل بین دانشجو و استاد؛ ۲. امکانات رفاهی دانشگاه؛ ۳. جوّ سازمانی حاکم بر دانشگاه؛ ۴. مشارکت دانشجو در فعالیت‌های کلاسی؛ ۵. شیوه‌های تدریس و ارزشیابی استادان؛ ۶. عضویت در گروه‌های خاص (ورزشی، فرهنگی، مذهبی و...).

سرهنگی (۱۳۸۹) بررسی میزان نشاط و شادابی و راه‌های تقویت آن در مدارس راهنمایی و متوسطه شهری استان کردستان را سنجیده است. نتایج نشان داده است که شادی و نشاط به عنوان یکی از جنبه‌های جدایی ناپذیر زندگی و به ویژه یکی از جنبه‌های ضروری تحصیل در آموزش و پرورش تلقی می‌شود.

زارعی متین و همکاران (۱۳۸۸) نقش دانشگاه در ایجاد عوامل مؤثر بر شادی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که افرادی که شاد زندگی می‌کنند باعث افزایش تمرکز خود شده و همیشه موفق می‌شوند و در هنگام مواجهه با مشکلات و شرایط ناگوار می‌توانند با صرف حداقل انرژی و با استفاده از راه‌های کوتاه و مؤثر آن مشکلات را حل کنند و کمتر دچار سردرگمی و پریشانی شوند. شادی و نشاط نه تنها در پدیده‌های اجتماعی مانند روابط فردی نفوذ می‌کند بلکه به تنهایی در فرایندهای شناختی مانند حافظه، یادگیری، حل مسأله و انعطاف پذیری فکری نیز اثر می‌گذارد.

محمودپور (۱۳۸۵) در تحقیقاتش نشان داد که منبع کنترل که دارای دو بعد درونی و بیرونی است و بنابر فرضیات راتر، افرادی که دارای منبع کنترل درونی هستند، معتقدند که اعمالشان نقش عمده‌ای در به حداکثر رساندن برون دادهای بد یا خوب دارد و افراد دارای دارای منبع کنترل بیرونی، فکر می‌کنند برون دادهای بد یا خوب ارتباطی با رفتار آنها ندارد.

سمری (۱۳۸۳) نشان داد که از میان ۱۶ متغیر پیش بین تنها ۶ متغیر جنسیت، درستی انجام تکلیف، تحصیلات مادر، انگیزه پیشرفت، سن دانش آموز و درگیری والدینی در امر شادابی و هیجان ضرایب معناداری برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند.

ماهون و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی تحت عنوان "شادی از منظر ارتباط با جنسیت و سلامت در اوایل رشد" به این نتایج دست یافت که بین پسران و دختران تفاوتی از نظر شادی وجود ندارد، در صورتی که تفاوت مثبت معناداری بین شادی و متغیرهای سلامتی برای تمام افراد وجود داشت.

اویشی و همکاران (۲۰۱۰) با عنوان "فرهنگ، ادراکات میان فردی و شادی در تعاملات اجتماعی" انجام دادند، نشان داد که تأکید بر جنبه‌های مهم شخصیت فرد، منجر به شادی وی می‌شود و تفاوت‌های فرهنگی در جنبه‌های مختلف شخصیت، پدیدار می‌گردد.

کولیت کلی (۲۰۰۹) در پژوهش خود تحت عنوان "سلامت رفتار در کودکان واجب‌التعلیم ایرلند ۲۰۰۶" دریافت که در اثر حمایت بالای خانواده، مدارس و اجتماع، دانش‌آموزان به احساس خود شکوفایی و فردیت دست می‌یابند و حس استقلال، شایستگی و خودآگاهی در آنها توسعه می‌یابد.

پژوهش میلر به نقل از رایدین (۲۰۰۸) با عنوان "مدارس شاد مساوی است با موفقیت" بیان می‌کند که مدارس دارای سه جزء اساسی برای خلق یک مدرسه شاد است. آنها مکانی را می‌سازند که کودکان با دوستانشان باشند، دانش جدید را یاد بگیرند و مهارت رویا داشتن، رشد کردن و برنامه‌ریزی را بیابند و نیز محیط فیزیکی خوشایند و مطلوب در ساختن یک مدرسه شاداب بسیار مهم است.

ولک (۲۰۰۸) در "شادمانی در مدارس" به این نتایج دست یافت که اصولی از قبیل جلوه نمایی کارهای دانش‌آموزان، قرار دادن زمانی برای بازی، جذاب کردن فضای مدرسه، وجود کتاب‌های خوب برای خواندن، ایجاد کلاس‌های ورزشی و هنری شادی بیشتری را به دانش‌آموزان برای رفتن به مدرسه می‌افزاید.

ریچ جان (۲۰۰۶) تأثیر روش‌های تکنولوژی محور در آموزش و تأثیر آن در افزایش پیشرفت تحصیلی را مورد بررسی قرار داد. او در این پژوهش به نتایج جالبی رسید از جمله این‌که استفاده از روش‌های تدریس بر پایه فناوری روز دنیا باعث تقویت انگیزه دانش‌آموزان ابتدایی شده است.

کوزما (۲۰۰۵) تأثیر نظام آموزشی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسید که نظام آموزشی پویا باعث عدم افت روحیه دانش‌آموزان می‌شود.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه در این پژوهش، این فرضیات مورد بررسی قرار گرفت:

۱. بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۲. بین شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۳. بین شادابی و نشاط و وضعیت اقتصادی خانواده دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. نوع تحقیق کاربردی است، زیرا نتایج در وزارت آموزش و پرورش و به خصوص برنامه‌ریزی آموزشی قابل استفاده خواهد بود. جامعه آماری این تحقیق را دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر ساری به تعداد ۱۷۷۹۲ نفر تشکیل داده بودند که از این تعداد ۳۷۶ نفر به عنوان نمونه در این پژوهش مشارکت داشتند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه استاندارد ۲۹ ماده‌ای شادکامی آکسفورد (روش نمره گذاری این آزمون شامل ۲۹ عبارت ۴ گزینه‌ای) بوده است. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل: محاسبه درصدها، محاسبه شاخص‌های مرکزی، پراکندگی مناسب، طبقه بندی کردن داده‌ها و رسم نمودار و آمار استنباطی شامل: آزمون T یک گروهی استفاده شده است.

نتایج و یافته‌ها

به منظور این‌که آیا نظرات آزمودنی‌ها از سطح نرمال برخوردار می‌باشد یا خیر؟ و این‌که جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از چه نوع قواعد و آزمون پارامتریک یا ناپارامتریک بهره‌گیری شود، مع الوصف آزمون نرمالیت بر اساس آزمون «کولموگوروف اسمیرنوف» انجام شده است.

جدول (۱): آزمون «کولموگوروف اسمیرنوف»

مقیاس‌های سبک‌های مقابله‌ای	p-value	نتیجه آزمون
رابطه شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان	۰/۶۹	نرمال
رابطه شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان	۰/۶۷	نرمال
رابطه شادابی و نشاط و وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۶۵	نرمال

در تمامی متغیرهای تحقیق، مقدار p-value از سطح معنی داری ۰/۰۱ بیشتر می‌باشد. لذا این نتیجه حاصل شده است که تمامی متغیرهای تحقیق نرمال بوده اند. بنابراین، برای بررسی سؤالات و فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است.

فرضیه اول: بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان زمانی رابطه وجود خواهد داشت که میانگین نمره متغیر از نمره برش (۱۴۱)، به اندازه کافی بالاتر باشد.

جدول (۲): آماره های متغیر افزایش قدرت یادگیری

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
پیشرفت تحصیلی	۱۸۲/۲۶	۱۸.۱۱	۳۷۶

همان‌طور که از جدول فوق ملاحظه می‌شود، میانگین نمره از نمره برش بیشتر است اما باید به اندازه کافی از آن بیشتر باشد تا تفاوت مشاهده شده در اثر خطای اندازه گیری و یا تصادفی نباشد و برای تعیین معنادار بودن این تفاوت از آزمون T یک گروهی استفاده می‌کنیم.

جدول (۳): آماره های آزمون T یک گروهی با نقطه برش ۱۴۱

متغیر	t_m	مقدار بحرانی t_b	تعداد N	درجه آزادی df	سطح معناداری α
پیشرفت تحصیلی	۳/۱۴۵	۲/۰۱۰	۳۷۶	۳۷۵	۰۰۰.۰

چون T محاسبه شده ($t_m = 3/145$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0.01$) و درجه آزادی ۳۷۵ از T جدول بحرانی ($t_b = 2/010$) بزرگتر است. بنابراین، معلوم می‌شود که میانگین نمره ۱۸۲/۲۶ متغیر از میانگین (۱۴۱) به طور معناداری بیشتر است و به همین دلیل بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. بین شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان رابطه وجود خواهد داشت که میانگین نمره متغیر از نمره برش (۱۴۱)، به اندازه کافی بالاتر باشد.

جدول (۴): آماره های متغیر جنسیت دانش‌آموزان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
جنسیت دانش‌آموزان	۱۷۸/۸	۲۸/۳۸	۳۷۶

همان‌طور که از جدول فوق ملاحظه می‌شود میانگین نمره از نمره برش بیشتر است، اما باید به اندازه کافی از آن بیشتر باشد تا تفاوت مشاهده شده در اثر خطای اندازه گیری و یا تصادفی نباشد و برای تعیین معنادار بودن این تفاوت از آزمون T یک گروهی استفاده می‌کنیم.

جدول (۵): آماره‌های آزمون T یک گروهی با نقطه برش ۱۴۱

متغیرها	t_m	مقدار بحرانی t_b	تعداد N	درجه آزادی df	سطح معناداری α
---------	-------	-----------------------	------------	------------------	-----------------------

جنسیت	۶/۰۰۹	۲/۵۷۶	۳۷۶	۳۷۵	۰.۰۰۰
دانش آموزان					

چون T محاسبه شده ($t_p = 6/009$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0.01$) و درجه آزادی ۳۷۵ از T جدول بحرانی

($t_p = 2/576$) بزرگتر است. بنابراین، معلوم می‌شود که میانگین نمره ۱۷۸/۸ از میانگین (۱۴۱) به طور معناداری بیشتر است، لذا بین شادابی، نشاط و جنسیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

نتیجه گیری

شاید در اولین نگاه احساس کنیم که انجام همه امور فوق در مدارس مستلزم پرداخت هزینه های سنگین باشد و مسلماً در مدارس دولتی چنین امکانی وجود ندارد لیکن با کمی تأمل به این نتیجه می‌رسیم که انجام بسیاری از این پیشنهادات فوق می‌تواند با درایت و مدیریت صحیح با حداقل بودجه و امکانات انجام شدنی باشد و به اشکال مختلف می‌توان شادابی و طراوت را به کودکان و نوجوانان این مرز و بوم هدیه دهیم و در نهایت جامعه شاد داشته باشیم که این خود باعث بروز و رشد استعدادها و خلاقیت ها در جوانان ما خواهد شد. شاداب سازی و ایجاد روحیه شاد در دانش آموزان و جلوگیری از افسردگی آنها باعث می‌شود افرادی هدفمند و کار آمد در جامعه داشته باشیم در این میان عوامل متعددی دست به دست هم داده تا بتواند این هدف محقق شود.

-مهمترین عامل نقش خانواده است، تربیت فرزند از اوان زندگی و ایجاد نشاط او و پیوند میان خانواده و مدرسه و تعامل این دو در ایجاد هماهنگی با هم می‌تواند روشی مؤثر برای ایجاد شادابی در فرزند پیدا و اجرا شود.

یکی از تجربیات موفق که منجر به تقویت اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری دانش آموزان می‌شود واگذاری امور مدرسه به دانش آموزان در قالب خدمات آموزشی و فعالیت های فوق برنامه دانش آموزی است. در تمامی کشورهای اروپایی نگهداری فضای سبز مدرسه و دبیرستان به شورای دانش آموزی واگذار می‌شود و دانش آموزان با احساس مسئولیت نسبت به این موضوع روزهای تعطیل (شنبه و یکشنبه) نیز به مدرسه رفته و به فضای سبز مدرسه رسیدگی می‌کنند.

در هر کلاس به تعداد دانش آموزان گلدان در کلاس ها وجود دارد که بیشتر دانش آموزان آن را از خانه به مدرسه می‌آورند و رسیدگی به آن را به عهده می‌گیرند بسیاری از دانش آموزان هرس درختان مدرسه و نهال کاری فضای سبز مدرسه را نیز داوطلبانه انجام می‌دهند و بعدازظهرها قبل از خروج از مدرسه آبیاری گلدان ها و باغ مدرسه را انجام می‌دهند و به این ترتیب دانش آموز مسئولیت پذیر می‌شود و احساس مفید بودن و موثر بودن در رفتارهای اجتماعی را دارد. به هر حال به نظر می‌رسد اکنون که در ابتدای سال تحصیلی قرار داریم مدیران مدارس باید با استفاده از امکانات دانش آموزان محیط مناسب روانی برای ایجاد شور و شوق در دانش آموزان را فراهم کنند تا حس مسئولیت پذیری، امید به آینده و اعتماد به نفس در دانش آموزان رشد کند و خود را برای پذیرش مسئولیت های بزرگ تر در آینده آماده کنند.

منابع و مراجع

الف) منابع فارسی

- ۱- اسکندری، محرم (۱۳۸۶). راهنمای روش‌های نوین تدریس، انتشارات رهیافت، چاپ اول.
- ۲- جعفری مقدم، سعید (۱۳۸۵) گلچینی از اندیشه‌های مدیریت، انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، چاپ اول.
- ۳- جعفری، پریوش. طالب زاده، فاطمه (۱۳۸۹) ارائه مدلی برای نشاط و شادی در مدارس ابتدایی شهر تهران. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال چهارم، شماره ۴، زمستان.
- ۴- زارعی متین، حسن، احمدی زهرانی و زلفا حق گوین (۱۳۸۸) نقش دانشگاه در ایجاد عوامل مؤثر بر شادی، مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان.
- ۵- غلامی، سمیه. چاری، مسعود حسین (۱۳۹۰) پیش بینی شادمانی دانش‌آموزان با توجه به ادراک آنها از انتظارات معلم، نحوه تعامل معلم و خودکارآمدی. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، دوره سوم، شماره اول، بهار و تابستان.
- ۶- سیف‌الله، فضل‌الهی. جهانگیر اصفهانی، نرگس. حق گوین، زلفا (۱۳۸۹) سنجش میزان و عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان.
- ۷- کریمی، یوسف (۱۳۸۴) روانشناسی شخصیت، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۸- مارشال ریو، جان (۱۳۷۴). انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی سید محمدی. انتشارات سمت، چاپ سوم.
- ۹- هاتوس. اسپنسر (۱۳۸۶) روانشناسی عمومی، ترجمه: حسین ابراهیمی و همکاران، تهران: نشر ساوالان.
- ۱۰- هاشمی رکاوند، مجتبی (۱۳۷۷). از اثبات تا ظهور، انتشارات معارف، دوره دوم، شماره ۲۳.
- ۱۱- هافمن کارل و همکاران (۱۳۸۴). روانشناسی عمومی، از نظریه تا کاربرد، ترجمه: هادی بحیرایی و همکاران، تهران: نشر ارسباران.

ب) منابع انگلیسی

- Bainbridge, Carol. (۲۰۱۰). "Intrinsic Motivation". Gifted kids. about. com. Retrieved ۲۸ Novemberr.
- Fastener, L. (۱۹۵۷). A theory of cognitive dissonance. Stanford CA: Stanford University Press.
- Kraft, M. (۲۰۰۸). Delegation von Preiskompetenzan den Verkaufsaußendienst: eineempirische Analyse ausgewählter Determinanten und Gestaltungsmöglichkeiten , Wiesbaden ,P. ۳۶.
- Steel ,P. , & Konig ,C. J. (۲۰۰۷). Integrating theories of motivation. Academy of Management Review ۳۱ , ۸۸۹-۹۱۳.
- Seligman, Martin E. P. (۱۹۹۰). Learned Optimism, New York: Alfred A. Knopf, Inc., p. ۱۰۱, ISBN ۰-۳۹۴-۵۷۹۱۵-۱.

Mahon, N. E. Yarcheski, A. and Yarcheski, T. J. (۲۰۱۰). Happiness as Related To Gender and Health in Early Adolescents. By Sage publications. Vol. ۱۴ No. ۲ ۱۷۵-۱۹۰.

Oishi, Sh. Kyungkoo, M. & Akimoto, Sh. (۲۰۱۰). Culture, Interpersonal Perceptions, and Happiness in Social Interactions. Pres Soc Psuchol Bull. doi: ۱۰. ۱۱۱۱/۰۱ ۴۶۱۶۷۲۰۷ Vol. ۳۴ No. ۳ ۳۰۷-۳۲۰.

Kelly, C. Molcho, M & Saoirse. Gabhainn, Saoirse N. (۲۰۰۹). Health behavior in school-aged children (HBSC) Ireland ۲۰۰۶. Health Promotion Research Center, School of health Sciences, National University of Ireland Galway.

Wolk, S. (۲۰۰۸). Joy in School. The Positive Class room. A. S. C. D. Vo. ۶۶, N.